

| وزن مصدر   | وزن مضارع   | وزن ماضی  | نام باب          |
|------------|-------------|-----------|------------------|
| تَفَعَّلًا | يَتَفَعَّلُ | تَفَعَّلَ | ۶. باب تَفَعَّلَ |
| تَصَرَّفًا | يَتَصَرَّفُ | تَصَرَّفَ |                  |

صیغه های ۵ و ۴ غایب و شش صیغه مخاطب

حذف یکی از دو تاء، جائز است.

۱- در صیغه هائی از مضارع معلوم (و به تبع آن، امر و ... ) که دو تاء مفتوح در اول صیغه قرار می گیرد.

تَتَصَرَّفُ : تَصَرَّفَ

در مضارع مجهول، هر دو تاء باقی می ماند. تَحَكَّمُ

جائز است تاء باب را همجنس فاء الفعل کرده، و در آن، ادغام کنیم.

اگر با این عمل، اول کلمه ساکن شد، یک همزه وصل مکسور، در ابتدای کلمه می آوریم.

تَتَبَّتُ : تَبَّتَ، يَتَبَّتُ، اِتَّبَنَّا

۲- فاء الفعل، یکی از حروف ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ باشد.

بین قاعده ۱ و ۲، ارجحیت دارد.

قواعد خصوصی اعلال  
باب تَفَعَّلَ

لام الفعل آن، در مواردی سَمَاعاً به یاء تبدیل می شود.

۳- اگر فعل مضاعف به باب تَفَعَّلَ برود و سه حرف همجنس کنار هم جمع شود.

ظَنَّ : تَطَنَّ : تَطَّيَّ : تَطَّيَّ

واو لام الفعل، قلب به یاء می شود و ماقبل یائی که پدید می آید، مکسور می شود.

در مصدر ناقص یائی هم، ماقبل یاء لام الفعل، مکسور می شود.

تَرَجُّوْ : تَرَجَّوْ : تَرَجَّوْ

۴- در مصدر باب تَفَعَّلَ ناقص واوی

در مصدر باب تَفَعَّلَ مهموز اللام هم، اگر قاعده تخفیف همزه اجرا شود، این قاعده اعمال می شود. تَبَرَّوْ : تَبَرَّوْ : تَبَرَّوْ : تَبَرَّوْ

| باب افعال | وزن ماضی              | وزن مضارع                 | وزن مصدر                | امر غایب                      | امر حاضر              |
|-----------|-----------------------|---------------------------|-------------------------|-------------------------------|-----------------------|
|           | تَفَعَّلَ             | يَتَفَعَّلُ               | تَفَعَّلًا              | لِيَتَفَعَّلْ                 | تَفَعَّلْ             |
| مضاعف     | تَحَلَّلَ             | يَتَحَلَّلُ               | تَحَلَّلًا              | لِيَتَحَلَّلْ                 | تَحَلَّلْ             |
|           | تَقَرَّرَ             | يَتَقَرَّرُ               | تَقَرَّرًا              | لِيَتَقَرَّرْ                 | تَقَرَّرْ             |
|           | تَصَدَّدَ<br>تَصَدَّى | يَتَصَدَّدُ<br>يَتَصَدَّى | تَصَدَّدًا<br>تَصَدَّىا | لِيَتَصَدَّدْ<br>لِيَتَصَدَّى | تَصَدَّدْ<br>تَصَدَّى |
| مثال      | تَوَهَّمْ             | يَتَوَهَّمُ               | تَوَهَّمًا              | لِيَتَوَهَّمْ                 | تَوَهَّمْ             |
| ناقص      | تَعَدَّى              | يَتَعَدَّى                | تَعَدَّىا               | لِيَتَعَدَّى                  | تَعَدَّى              |
| لغيف      | تَوَلَّى              | يَتَوَلَّى                | تَوَلَّىا               | لِيَتَوَلَّى                  | تَوَلَّى              |
|           | اِثْبَتَ              | يُثَبِّتُ                 | اِثْبَتًا               | لِيُثَبِّتْ                   | اِثْبَتْ              |
|           | اِتَّبَعَ             | يَتَّبِعُ                 | اِتَّبَعًا              | لِيَتَّبِعْ                   | اِتَّبِعْ             |
|           | اِدَّتَرَ             | يَدَّتِرُ                 | اِدَّتِرًا              | لِيَدَّتِرْ                   | اِدَّتِرْ             |

معانی باب تَفَعَّلَ

معنای غالبی

مطاوعه باب تفعیل

أَدَّبْتُهُ فَتَأَدَّبَ

۱- مطاوعه

با زحمت و دشواری، کاری را انجام دادن یا صفتی را از خود نشان دادن

تَشَجَّعَ = به سختی از خود شجاعت نشان داد.

۲- تکلف

تَوَسَّدَ الْحَجَرَ = سنگ را برای خود بالش قرار داد.

۳- اتخاذ

خواستن ماده فعل

تَعَجَّلْتُ الشَّيْءَ = خواستار سرعت آن چیز شدم.

۴- طلب

تَجَرَّعَ الْمَاءَ = آب را جرعه جرعه نوشید.

۵- تدریج

دوری کردن فاعل از ماده فعل

تَأْتَمُّ = از گناه دوری کرد.

۶- تجنب

تَأَيَّمَتِ الْمَرْأَةُ = زن اَيِّم (بی همسر) شد.

۷- صیوررت

تَنَظَّمُ = از ظلم شکایت کرد.

۸- شکایت

با تاکید و مبالغه

بَسَمَ و تَبَسَّمُ = لبخند زد.

۹- معنای ثلاثی مجرد